عدم ملازمه بین انکار تواتر و انکار تعدد نزول

شاگرد: اینکه می‌فرمایید «کُفُوا» متواتر است، به این معنا است که بیش از بیست نفر نقل کرده‌اند تا رسول الله متواتر باشد. لذا اگر ما باشیم و این بیست نفر، از اینجا به بعدش متواتر نیست. لذا آن را به محدوده وسیعتر می‌بریم. این را می‌فرمایید؟

استاد:ببینید در مباحثه‌ای که ما جلو آمدیم اگر حیثیات دقیق را از هم جدا کنیم، هم تحقیق بحث برای خودتان روشن می‌شود و هم در مناظراتی که پیش می‌آید و شما می‌خواهید حرفی را بزنید و مستندی را بگویید، یک مغالطه عظیمی صورت می‌گیرد. بعد از قرن یازدهم که در فضای اصول و فقه شیعه به تدریج رایج شد؛ مفتاح الکرامه هم در زمان سختی بوده است، بعداً هم قویتر شد. صاحب جواهر به صاحب مفتاح الکرامه تشر زدند که «تهجس بلادریه» است. این عبارت شوخی نبود. آن هم برای این جور خبیری این تعبیر را به کار بردند. مرحوم شیخ انصاری هم در کتاب صلاتشان بحث را سنگین کردند. اینها را در کردند. همینطور این فضای بحث سنگین از قرن یازدهم آمد. مغالطه ای در اینجا خیلی سنگین صورت می‌گیرد، این است؛ من پیش زمینه آن را عرض می‌کنم.

بعد از قرن یازدهم «نزل القرآن علی حرف واحد» با چه چیزی مساوی شده است؟ یعنی نازل شده تنها یکی است. قرائت صحیحه یکی است؛ بقیه آنها از رواة است، از مردم و خلائقی غیر از خدای متعال است. بعد از قرن یازدهم حرف واحد را به این صورت معنا می‌کنند. از مجلسی اول به بعد به این صورت شد. ما قبل از ایشان کسی را پیدا نکردیم. خب ذهنیت این بزرگواران این است که اهلبیت فرمودهاند جبرئیل از میان این قرائات، تنها یکی را آورده است. این ذهنیت را بگذارید؛ حال وقتی هر دلیلی را پیدا می‌کنند، بین شیعه ای سنی، که به بدنه تواتر قرائات تیری می‌زند، از آن دلیل استفاده می‌کنند که حالا که این دلیل آمد و تواتر را در کرد، پس جبرئیل تنها یکی از آنها را آورده است. تعدد نزول ندارد. از این سه-چهار خط این مغالطه بزرگ به‌شدت استفاده می‌شود. این مغالطه روشنی است. من مکرر عرض کرده‌ام، یعنی بین تواتر و تعدد نزول ملازمه هست؛ اگر شما بگویید این قرائات تا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله متواتر است، ملازمه دارد با تعدد نزول توسط جبرئیل.

اما از این طرفش نیست. یعنی لازم اعم است. اگر شما گفتید در یک جا تواتر نیست، به این معنا نیست که تعدد نزول هم نیست. و حال اینکه این مغالطه را از این سه –چهار خط به‌شدت استفاده می‌کنند. یکی از آنها همین عبارت فخر رازی است. فخر رازی وقتی اشکال می‌کند به‌هیچوجه نمی‌خواهد بگوید که ما اصل تعدد نزول را نداریم. این جزء واضحات کسانی است که در این رشته کار می‌کنند. اما این حرف فخر رازی را می‌آورند تا بگویند تنها یک قرائت نازل شده است. نفی تواتر را با نفی تعدد نزول ملازم می‌گیرند، به‌طور مطلق. هر کسی ایرادی به تواتر گرفت، دلیل می‌آورند که پس تواتر قرائات مطلقاً نیست. اگر شما مواظب باشید وقتی هر کجا مباحثه می‌کنید ای محاوره می‌کنید متوجه باشید؛ وقتی شما برای اصل تعدد نزول –کل مما نزل- دلیل می‌آورید، این دلیل دارد اصل تعدد را می‌گوید. چه بسا این دلیل شما تواتر کل را ثابت نمی‌کند. ربطی به هم ندارند. کما اینکه وقتی دلیلی به تواتر یک موردی صدمه می‌زند، تواتر را خدشه

می‌کند، نمی‌توانید از این نتیجه بگیرید که تنها یکی نازل شده است. ملزمه ندارند. اتفاقا اینها با هم جمع می‌شوند.

یعنی ما ادله قطعیه واضح داریم بر اینکه تعدد نزول فی الجمله ثابت است. از آن طرف در بسیاری از مواردیکه ادعای تواتر می‌شود، مورد مناقشه است. یعنی شما می‌توانید در تواترهایی که ادعا می‌شود خدشه کنید، اما قائل باشید اصل اینکه فی الجمله تعدد نزول هست، ثابت است.

من صفحه‌ای ایجاد کرده‌ام به آن مراجعه کنید. نام صفحه این است: تحلیل موضوع اندماجی تواتر قرآن و قرائات. تشابک شواهد، روش موضوع محور، تحلیل موضوع اندماجی. دوازده امر را در آن جا عرض کردم. این دوازده امر بسیار مهم است. یعنی اگر آن دوازده امر را به‌خوبی تفکیک کنید و به آن اضافه کنید، به محض اینکه وارد فکر شوید و وارد تحقیق شوید و وارد محاوره بشوید، اینها در ذهن شما جدا می‌شود. تا طرف دلیل می‌آورد می‌دانید که دلیل او کجا را می‌زند. مخلوط نمی‌کنید تا بعد بگویید دلیل آوردند و حرف ما کنار رفت. آن دوازده امر بسیار مهم است. ان شالله وقتی به منزل رفتید نگاه کنید.

بازبینی #2
ایجاد شده 1 مه 2024 12:41:51 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 ژوئن 2024 13:23:46 توسط ... .